روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وچهارم ■ شماره ۹۵۷۶

سرمایه گذاری برای تولید

همشهری

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
از ۳ چیز نباید شرم داشت: خدمت کردن مرد به مهمانش، برخاستن از جایش به احترام پدر و معلمش و حق‌خواهی، اگر چه اندک باشد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۶ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۹
■ اذان مغرب: ۱۷:۲۰ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۲
■ اذان صبح فردا: ۵:۴۴ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۴

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷ ■ ارتباط با مشتریان: ۲۳۰۲۳۰۲۳

■ همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو

شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور

تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

گزارش:
■ مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من:
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی

تندرستی:
■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش

سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری

دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی

محله:
■ دبیر: زکیه سعیدی

جامعه:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا

۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی

صفحه آخر:
■ دبیر: عیسی محمدی

سرگرمی:
■ دبیر: فرزام شیرزادی

طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

■ سردبیر آنلاین: سید مجتبی صادقی
■ معاونان آنلاین: کامران بارنجی، حامد فوقانی
■ مدیر محتوای تلویزیون: اسماعیل سلطنت‌پور
■ مدیر چندرسانه‌ای: زهرا سادات بهشتی
■ مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■ مدیر تولید تلویزیون: الهه سادات بهشتی
■ مدیر فضای مجازی: محمدحسین امیری

حافظ

زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر
بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

سوژه روز

جشن فانوس‌ها در کریسمس فیلیپین

کشور فیلیپین بیش از ۳۰۰ سال مستعمره اسپانیا بود و در آن دوران طولانی، مسیحیت در این کشور گسترش یافت آن‌قدر که اکنون این کشور بزرگ‌ترین کشور کاتولیک در آسیا و یکی از بزرگ‌ترین جوامع مسیحی در جهان است. به همین دلیل، جشن کریسمس در این کشور یکی از طولانی‌ترین و خاص‌ترین جشن‌ها در سراسر جهان است و میلیون‌ها نفر را در گیر خود می‌کند.

یکی از خاص‌ترین برنامه‌های این جشن در شهر سن فرناندو اتفاق می‌افتد و هزاران نفر در این روزها شاهد روشن شدن فانوس‌های عظیم‌الجثه‌ای هستند که تا ۶ متر ارتفاع دارند و آسمان شب را نورباران می‌کنند. این نمایش خیره‌کننده از نور، با تصاویری مذهبی و جشن‌گونه و همراهی موسیقی فیلیپینی و سرودهای کریسمس، بخشی از جشنواره سالانه «فانوس‌های غول‌پیکر» است.
این جشنواره که هر سال در اواسط دسامبر برگزار می‌شود، فرصتی برای نمایش صنعت سنتی فانوس‌سازی در این منطقه نیز هست؛ صنعتی که بیش از ۱۰۰ سال در این منطقه قدمت دارد. کارل کیوا، طراح ۳۱ ساله محلی، می‌گوید ساخت هر فانوس غول‌پیکر نیازمند تلاش ۳ماهه یک تیم ۲۰ نفره است و او این کار را نوعی «وظیفه مذهبی» برای خود می‌داند. نیاکان او نخستین فانوس را برای جشنواره سال ۱۹۰۸ ساختند؛ جشنواره‌ای که تنها در دوران جنگ و همه‌گیری کرونا متوقف شده بود.
فانوس‌های عظیمی که برای رقابت در جشنواره ارائه می‌شوند، از ۱۲ هزار لامپ ۵۰ واتی و ۱۵ کیلومتر کابل برق ساخته می‌شوند. وزن این سازه‌ها گاه به یک تُن می‌رسد و هزینه ساخت آنها تا حدود ۱۷ هزار دلار برآورد می‌شود. نسخه‌های کوچک‌تر این فانوس‌ها نیز توسط صنعتگران محلی ساخته می‌شوند و در سراسر کشور بر تیرهای چراغ برق، ساختمان‌های اداری و خانه‌ها نصب می‌شوند. کیوا که نسل ششم از فانوس‌سازان پیشگام سن فرناندو است، می‌گوید: «علاوه بر جنبه مذهبی، به ادامه سنت خانوادگی‌مان که شادی‌بخشیدن به مردم در کریسمس است افتخار می‌کنم.»

ادمار دیوید، طراح دیگر نیز می‌گوید شرکتش سالانه هزاران فانوس می‌فروشد، حتی به فیلیپینی‌های مهاجر. او می‌گوید: «فانوس‌ها شادی، نور و امید می‌آورند. بدون آنها زندگی غم‌انگیز است.»
این سنت از راهپیمایی‌های شبانه‌ای که راهبان اسپانیایی در دوران استعمار برگزار می‌کردند، ریشه گرفته است. دانش‌آموزی ۱۶ ساله به نام ریا هیپولیتو می‌گوید: «این جشن واقعاً زیباست و نشان می‌دهد که جامعه ما چقدر در معنا بخشیدن به کریسمس نقش دارد.»
در پشت صحنه، تیم‌هایی با چرخاندن بشکه‌های فلزی بزرگ به نام «روتور» جلوه‌های نوری چرخان ایجاد می‌کنند. آتش‌نشانان نیز برای ایمنی در محل حضور دارند، چرا که جرقه‌هایی از برخی فانوس‌ها به هوا می‌پاشد. فلورانته پاریلا، طراح ۵۵ ساله این فانوس‌ها می‌گوید: «تقریباً همه فانوس‌سازها با هم فامیل یا دوست هستند.» با این حال، او نگران آینده است: «جوانان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. شاید ما آخرین نسل این هنر باشیم.»

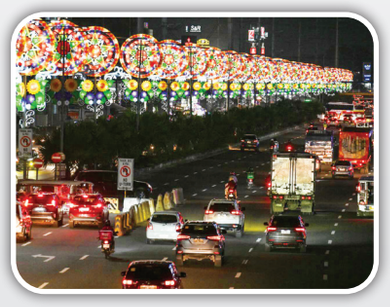

اعضای ایرانی و خارجی شرکت‌کننده در کنگره بزرگداشت هزارمین سال تولد فردوسی جلوی در تالار جنوبی مدرسه دارالفنون (۱۳۱۳ش)

میراث کبیر

روایت تصویری از نخستین روزهای مدرسه دارالفنون که دروازه ورود ایران به جهان مدرن شد

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | درست در همین روزهای سرد زمستان بود که سرنوشت علمی ایران برای همیشه تغییر کرد. وقتی ۱۷۴ سال پیش، روبان افتتاح مهم‌ترین ساختمان خیابان ناصریه قیچی می‌شد، شاید هیچ‌کس، حتی خود ناصرالدین‌شاه که با غرور به همراه صدراعظم جدیدش آقاخان نوری در تالار قدم می‌زد، نمی‌دانست که این دیوارها قرار است چه توفانی در تاریخ این سرزمین به پا کنند. صحبت از «دارالفنون» است؛ آخرین و بزرگ‌ترین رؤیای امیرکبیر که تنها ۱۳ روز پیش از آنکه خونش در حمام فین کاشان جاری شود، نفس کشیدن را آغاز کرد؛ مدرسه‌ای که قرار بود دانشگاه تهران عصر خود باشد و ایران را از کنج انزوا به میانه میدان علوم جدید پرتاب کند. قصه دارالفنون، قصه آجرهایی است که با امید چیده شد. جالب است بدانید روزی که ۳۰ شاگرد اول مدرسه (که اغلب از فرزندان اعیان و اشراف بودند) پای درس ۷ معلم اتریشی نشستند، هنوز گرد و خاک بنایی روی دوش مدرسه بود و کارگران تا یک سال بعد همچنان مشغول تکمیل ساختمان بودند. اما شوق آموختن فنون نظامی، طب، معدن و هندسه چنان بود که صدای تیشه کارگران در همهمه کلاس‌های درس گم می‌شد. این مدرسه فقط یک بنای آموزشی نبود؛ بلکه لابراتواری بود که در آن معجون «تجدد» ساخته می‌شد. اگرچه درهای مدرسه بعدها از خیابان همایون بسته شد و به خیابان ناصرخسرو فعلی تغییر مسیر داد، اما راهی که باز کرده بود هرگز بسته نشد. معلمان اروپایی از اتریش و بعدها از ایتالیا، فرانسه و آلمان آمدند و در کنار استادان ایرانی، نسلی را پرورش دادند که دیگر رعیت نبودند؛ آنها شهروندانی آگاه شدند که بعدها در قامت روشنفکران، وزرا و وکلای مجلس، بساط استبداد را در مشروطه به چالش کشیدند. حالا بیایید آلبوم خاک‌خورده این میراث بزرگ را ورق بزنیم و به تماشای روزگاری بنشینیم که چراغ علم در تهران عهد ناصری روشن شد.

سردر ورودی مدرسه دارالفنون تهران در اوایل دوره پهلوی

تصویری از میرزاتقی خان امیرکبیر در مدرسه دارالفنون (سال ۱۳۴۱ش)

شاگردان میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله (مزین‌الدوله نقاش‌باشی) (سال ۱۳۱۹ق)

عده‌ای از استادان و دبیران در حیاط مدرسه دارالفنون (سال ۱۳۱۳ش)

چند تن از دانشجویان رشته طب مدرسه دارالفنون در اواخر دوره قاجار

نمای عمومی از شهر تهران، مدرسه دارالفنون و میل آسیاب

مراسم سلام امتحان مدرسه دارالفنون. سلام امتحان جشنی بود که در آن، ناصرالدین‌شاه منصب‌هایی که درواقع درجات نظامی بود به شاگردان اعطا یا برایشان مواجبی معین می‌کرد

دیپلمه‌های سال ۱۳۰۳ش مدرسه دارالفنون همراه معلمان

میرزاجعفرقلی نیرالملک رئیس مدرسه دارالفنون همراه سه تن از معلمان خارجی

حال خوب

پیروزی مرخصی بر کار تا حد مرگ

یک بنده خدایی در شبکه ایکس، نوشته بود که در آمد سرانه اسپانیا از در آمد سرانه ژاپن زده جلو. بعدش هم نتیجه گرفته که زنده باد خواب بعدازظهر و ۶ هفته مرخصی که پیروزی خودش را بر ایده «کار تا حد مرگ» ثابت کرد. البته پایین این پست هم کلی دعوا شده بود که نه، ژاپنی‌ها هنوز عدد تولید ناخالص داخلی‌شان بالاتر است، که بعضی‌ها هم آن را به جمعیت آن کشور نسبت داده بودند. البته این خبر، خبر چندان جدیدی هم نبود و ظاهرا در تابستان اعلام شده بود که سرانه تولید ناخالص داخلی اسپانیا، از ژاپن پیشی گرفته است؛ کشوری که چهارمین اقتصاد بزرگ‌تر اتحادیه اروپاست.
البته در کل، ژاپن فعلا اقتصاد بزرگ‌تری به شمار می‌رود. اما اگر معیار جمعیت را حساب کنیم و تولید ناخالص را تقسیم بر جمعیت کنیم، وضعیت اسپانیا بهتر است. نکته جالب اینجاست که در برخی از کتاب‌های کارآفرینان شرقی، کشورهای جنوب اروپا به واسطه اینکه صبح‌ها دیر سر کار می‌رفتند و زیاد استراحت می‌کردند و مرخصی داشتند، مورد نکوهش قرار می‌گرفتند. اما حالا، ظاهرا قصه عوض شده است و این امر، نشان می‌دهد که مرخصی‌های زیاد سالانه و ساعت‌های کاری کم و زیاد کار نکردن هم، در نوع خودش می‌تواند منجر به بهره‌وری بالایی بشود. نکته جالب اینکه حتی آلمانی‌های سختکوش هم به این نتیجه رسیده‌اند که بعد از ساعات کاری، باید هرگونه تماس کاری قطع شود تا انرژی مورد نیاز برای کارهای روزهای آتی به دست آید.
قصه را که دنبال می‌کنیم، به ماجرای تعادل در زندگی می‌رسیم. تعادل، یعنی مابین حوزه‌های مختلف زندگی، از کار گرفته تا ارتباطات اجتماعی و خانوادگی و ورزش و تغذیه و سلامت و معنویت و... تعادل برقرار باشد. اگر چنین نباشد و همه‌چیز را مثلا در کار یا ورزش خلاصه کنیم، کم‌کم دچار فرسایش روانی خواهیم شد. در این صورت هویت ما، با کار و ورزش و... تعریف می‌شود و به پایان رسیدن دوره آنها، می‌تواند دردسرهای زیادی برای روان و روح ما ایجاد کند.
برخی از مشاوران روانشناسی و بهره‌وری، اشاره می‌کنند که اگر بتوانید استرس‌ها را کم و ذهن‌تان را آرام و خالی کنید و استراحت‌های خوب و منظمی داشته باشید، در این صورت حتی با وجود ساعت‌های کاری کم، می‌توانید نتایج بالایی به‌دست بیاورید. این، اتفاقی است که در کشورهای اسکاندیناوی در حال افتادن است. درواقع در اینجا، کیفیت کار مهم‌تر از کمیت و ساعت‌های کاری دانسته می‌شود.
در نهایت اینکه کاری با شوخی و جدی این توییت نداریم، ولی به‌نظر می‌رسد که حتی اگر دنبال بهره‌وری بالاتر هم باشید، می‌توانید آن را در ساعت‌های کاری معمولی و حتی کمتر نیز به‌دست بیاورید؛ مهم این است که تعادل روحی و روانی و کاری و جسمی و... داشته باشید. در این صورت، هم زندگی به شما خوش خواهد گذشت، هم موفق‌تر خواهید شد؛ درست مثل اسپانیایی زیاد مرخصی برو.

عکس خانه

ریشه در شهر

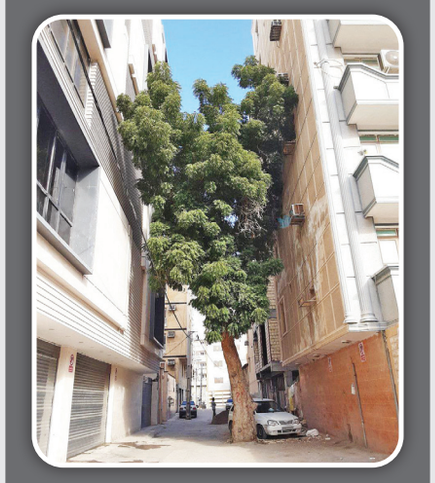

در جدال همیشگی میان بتن و طبیعت، این بار یک درخت پیروز شده است. تصویری که به تازگی از کوچه‌ای در بندرعباس در فضای مجازی منتشر و پربازدید شده، روایتی امیدبخش از همزیستی را به نمایش می‌گذارد. در این قاب، سازندگان به جای انتخاب آسان‌ترین راه، یعنی قطع این درخت قدیمی، معماری بنا و مسیر عبور را با حضور آن تطبیق داده‌اند. نتیجه، منظره‌ای تأمل‌برانگیز است که به نمادی از توسعه مسئولانه و احترام به ریشه‌ها تبدیل شده و نشان می‌دهد که می‌توان شهر را بدون قربانی کردن حیات سبز آن گسترش داد. این اقدام آگاهانه، الگویی ارزشمند برای شهرسازی امروز ماست.